

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تعلیم و تربیت  
و بلوغ

دوره، هشتم، شماره نوزدهم

نام جزوه: تعلیم و تربیت و بلوغ  
نویسنده: هیأت تحریریه موسسه در راه حق  
ناشر: موسسه در راه حق  
نوبت چاپ: مکرر  
تاریخ چاپ: ۱۳۹۷ هـ ش  
چاپخانه: سلمان فارسی  
نشانی: قم، خیابان آیت الله مرعشی نجفی (ارم)  
کوچه ۲۰ - پلاک ۱۰ - موسسه در راه حق  
تلفن: ۲-۳۷۷۴۳۲۲۱ (۰۲۵)

[www.darrahehaq.com](http://www.darrahehaq.com)

سامانه پاسخگویی پیامکی: ۱۰۰۰۲۲۲۳۳۳

رایگان

## فهرست مطالب

۵.....	مقدمه
۶.....	مفهوم بلوغ
۸.....	بهره گیری از بلوغ
۲۰.....	بلوغ فکری و علمی
۳۵.....	بلوغ در شخصیت انسانی
۴۶.....	بلوغ جنسی
۵۹.....	بلوغ اقتصادی
۶۷.....	بلوغ سیاسی

دوره هشتم، شماره نوزدهم / ۵

#### مقدمه

بلوغ با تمام ابعادش از مسائلی است که اگر تعلیم و تربیت لازم در مورد آن انجام نگیرد و بدست تقدیرات زمان و مکان سپرده شود، می تواند عاملی منفی علیه انسان و رشد و کمال انسانی قرار گیرد، بخصوص در زمان و مکان حاضر که پر از عامل تخدیر، انحراف و گمراهی است. و روزبروز توسط

عاملین غرب و شرق تشدید پیدا کرده و بر شیوع فساد فکری و شهوی تأکید می‌شود. آگاهی به مسأله بلوغ قبل از رسیدن به آن و فراگرفتن راه صحیح پرورش و اصلاح آن و کیفیت دست یافتن به بلوغ فکری به همراه بلوغ جنسی، ایجاد مصونیت از انحراف‌های شهوی و... و به وجود آوردن زمینه رشد انسانی است.

### مفهوم بلوغ

بلوغ به معنای رسیدن، آمده است و به معنای خاص در ظهور فعلی غریزه جنسی و زمان رسیدن به تکلیف شرعی بکار می‌رود؛ زمانی که فرد باید به وظایف شرعی (از عبادات و غیره) عمل نماید. البته به معنای عام شامل رسیدن به رشد فکری، علمی،

دوره هشتم، شماره نوزدهم / ۷

اجتماعی، اقتصادی و... می شود و آنچه در این قسمت مورد توجه است، عبارت از بلوغ به معنای عام در شعاع تعلیم و تربیت دینی می باشد.

بلوغ به لحاظ ظهور فعلی اش دو قسم است:

۱. بلوغی که ظهور فعلی آن طبیعی است و به

نحو غیرارادی صورت می گیرد.

۲. بلوغی که ظهور فعلی آن ارادی است. بلوغ

جنسی و جسمانی از قسم اول و بلوغ فکری، شخصیتی و... از قسم دوم است.

باید توجه داشته باشیم که بلوغ رسیدن به

آخرین حد رشد و یا رشد کافی نیست، بلکه وصول

به رشد لازم است. رشد لازم همان آشکار شدن

غریزه و بُعدی است که قبلاً پنهان بوده و اگر هم ظهور ضعیفی داشته، قابل ذکر و توجه نبوده است.

### بهره گیری از بلوغ

بلوغ - رسیدن به مرحله ای از رشد لازم - ارادی و یا غیر ارادی، بهره غریزه و استعداد و یا فطرت موجود در نفس است. غرایز و استعدادها در شرایطی مناسب به نحو ارادی و یا طبیعی به مرحله ای از ظهور فعلی و رشد لازم خود می رسند. و این بهره مخصوص خود آنهاست و ربطی به بهره نفس - به عنوان ذاتی که آن استعدادها و غرایز را دارد - ندارد. بهره نفس از بلوغ در گرو تعلیم، تربیت و اخلاقی است که انسان فراگرفته و یا فرا می گیرد. نفس به عنوان فطرت کمال خواهی خویش خواهان مرتفع



دوره هشتم، شماره نوزدهم / ۹

ساختن نقایص و ناداری ها و در نهایت یافتن کمال ها و هستی برتر است. به همین جهت، نگاهش به غرایز، استعدادها و مراتب وجودی، نگاهی آلی و وسیله ای است و بکارگیری آنها برای کمال یافتن است و به عبارت دیگر تمام بلوغ ها شرط بلوغ الهی و انسانی در انسان است. آن گاه که شعاعی از نور معنویت، ایمان به خدا و تربیت اسلامی<sup>۱</sup> بر بلوغ استعدادها و غرایز بتابد، بهره نفس از بلوغ مثبت و انسانی خواهد بود. و آن گاه که ظلمت مادیت و پرورش غیرانسانی انواع بلوغ را فرا گیرد، بهره نفس از آن جز تنزل و سقوط در مراتبی پست نخواهد بود.

---

۱. تربیت اسلامی، رشد فعلی استعدادها و هماهنگی بین آنها در جهت مطلوب شایسته (خدای متعال) است. ر.ک: جزوه مفهوم تعلیم و تربیت.

## ۱۰ / تعلیم و تربیت و بلوغ

بهره مثبت انسان از بلوغ غرایز و استعدادها در شعاع آگاهی و ایمان به این بینش است، که خداوند، هیچ یک از غرایز، فطرت‌ها، استعدادها و جوارح بدن را به خودش وانگذاشته است، و تمام آنها موظفند در اطاعت و فرمان خدا باشند. بعد از بلوغ اگر مطیع فرمان خدا بودند و به وسیله عقل و دین کنترل شده، و عمل کنند، نفس بهره انسانی را خواهد برد. **أَيَحْسَبُ الْإِنْسَانُ أَنْ يُتْرَكَ سُدًى<sup>۱</sup>؛** آیا انسان گمان می‌کند که به خود واگذاشته شده است؟

**أَفَحَسِبْتُمْ أَنْ مَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثاً وَأَنْكُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ<sup>۲</sup>؛** آیا چنین پنداشته اید که شما را عبث و

---

۱ . سوره قیامت، آیه ۳۶.

۲ . سوره مؤمنون، آیه ۱۱۵.

دوره هشتم، شماره نوزدهم / ۱۱

بیهوده آفریده ایم و به راستی شما به سوی ما (هرگز) بازگشت نخواهید کرد.

سفارش امیرالمؤمنین ((علیه السلام)) به پسرش محمد ابن حنفیه است، ای پسر! آنچه را نمی دانی نگو، بلکه همه آنچه را می دانی نگو، پس به راستی که خداوند تبارک و تعالی بر تمام جوارح تو واجب کرده و فرائضی قرار داده است که روز قیامت به وسیله آنها بر تو احتجاج می کند و از تو راجع به آنها سؤال می کند، و خداوند یاد کرده اعضا و جوارح را و پند و اندرز داده آنها را و برحذر داشته آنها را از انحراف و تأدیب کرده آنها را و مهمل و بی حساب و کتاب، آنها را به خود وانگذاشته است. خدای عزّ و جل فرموده: «وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ

عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ  
مَسْئُولًا<sup>۱</sup>؛ چیزی را که برای تو علمی به آن نیست،  
پیروی و دنبال روی مکن. به راستی که گوش، چشم  
و دل همه نسبت به آن مسؤول هستند و مورد سؤال  
واقع می شوند...»<sup>۲</sup>.

در مواردی که بلوغ جبری است، بهره گیری  
معنوی و مادی و کیفیت اخلاقی به آن دادن، اختیاری  
و ارادی است. وانسان قبل از آن که به بلوغ غیرارادی  
مانند بلوغ جنسی برسد؛ قادر است با تربیت، تأدیب  
و تعلیم صحیح و پیدا کردن یک شخصیت معنوی و

---

۱. سوره اسراء، آیه ۳۵.

۲. وسائل الشّیعه، ج ۱۱، ص ۱۲۸، روایت ۷ و من  
لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۳۸۱، باب ۲۲۷.

دوره هشتم، شماره نوزدهم / ۱۳

انسانی، راه بهره‌گیری درست از بلوغ و راه اصلاح و تعدیل آن را بیاموزد و پس از ظهور فعلی غریزه به آسانی از انحراف‌هایی که در پیش روی او هست، جلوگیری کند. و نیز بهره‌گیری صحیح از بلوغ ارادی یا بلوغ سیاسی، فکری، علمی، اجتماعی، اقتصادی معلول تعلیم، تربیت و تأدیب به آداب الهی است که قبل از بلوغ شروع شده و در هنگام بلوغ ادامه پیدا می‌کند. آموختن مسائلی که موجب باور کردن خود انسانی شود و یا ایجاد احساس مسئولیت در شخص کند و فهم او را در داشتن یک زندگی هدف‌دار تقویت کند، در هدف‌داری بلوغ و رنگ انسانی گرفتن و احساس مسئولیت در مرحله بلوغ بسیار مؤثر خواهد بود.

برخی از بلوغها در مورد داشتن جهت، هیچ شرطی ندارند و به همین جهت، آماده گرفتن هر قید و شرطی هستند. بلوغ جنسی، سیاسی، اقتصادی، فکری و علمی آماده پذیرش هر شرط و قیدی هست. آماده است که از مکاتب و ایسم های رایج در جوامع غربی و شرقی پیروی کند و نیز آماده است که شرط و قید اسلامی و الهی داشته باشد؛ به این معنا که به وسیله قوانین دین و عقل هدایت شود و به همین جهت، نحوه بهره گیری از انواع بلوغ، وابسته به قید و شرطی است که در شعاع یک مکتب مادی، الحادی و یا دینی و الهی پیدا می کند. چنانکه اعضا و جوارح بدن انسان قبول هر نوع عملی (شایسته و غیرشایسته) را دارد، و در چگونگی عمل، وابسته به

دوره هشتم، شماره نوزدهم / ۱۵

دستورات و مسائلی است که می شنود، می بیند و به آنها اعتقاد پیدا می کند. در رأس موارد بلوغ، بلوغ فکری و علمی است. انسان پذیرش هرنوع فکر و علم را دارد و می تواند به رشد لازم در نوع خاصی از فکر و علم برسد. وبه اصطلاح بلوغ خاص فکری و علمی در موردی حاصل کند؛ چنانچه بلوغ فکری و علمی در شعاع یک مکتب فلسفی و الهی باشد که منشأ معلومات و معقولات حقیقی و واقعی است، بلوغ سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، غریزی و... هدایت و جهتی حکیمانه و انسانی خواهد داشت. ودر غیر این صورت، جهتی انحرافی را خواهد پیمود. چنانچه در جوامع پیشرفته مادی امروز شاهد آن هستیم. وجود بحران های سیاسی، اقتصادی معلول چیست؟

چه کسانی باعث فرورفتن ملت‌ها در کام بی‌عدالتی‌ها، تبعیض‌ها، ناامنی‌ها و... هستند؟ با این‌که جهان به مراتبی از بلوغ علمی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و... رسیده است. بهره‌گیری از این مراتب بر چه مبنا و اساسی قرار گرفته که چنین نتیجه‌ای منفی داده است؟ در عالم طبیعت، هر موجود مادی پس از طی مراحل از رشد آن‌گاه که به مرتبه‌ای از بلوغ رسید، محصول لازم وجودی‌اش را عرضه می‌کند و بازبان حال می‌گوید:

اثر رشد و نمو من این محصول و شادابی وجودم است و شکر خالق خویش را با ظهور فعلی قوه درونی‌ام بجا آورده‌ام. اما تو ای انسان! پس از آن‌که به مرحله‌ای از رشد جسمانی، غریزی، فطری



دوره هشتم، شماره نوزدهم / ۱۷

و اجتماعی می رسی آیا شکر خالق و ربّ خویش را  
بجا می آوری، و به ماهیّت انسانی خویش در شعاع  
این ترقیّات لازم ارادی و غیرارادی فعلیّت می بخشی  
یا این که تربیت و تعلیم تو در بهره گیری منفی و  
ضدانسانی از مراتب بلوغ است؟ ای انسان! تو به  
عنوان موجودی که مقید به قید انسانی شده، دور از  
شان و مرتبه وجودی توست که نتیجه بلوغ علمی،  
فکری، سیاسی و اقتصادی ات این باشد که به  
جمع آوری طلا و نقره پردازی و به داشتن آنها  
افتخار کنی و چنین گمان بری که به هدف نهایی و  
اصلی وجودی خود رسیده ای. چقدر باید خود را  
حقیر و بی ارزش بدانیم که جمع آوری طلا و نقره  
این موجودات بی جان و بی عقل را سبب بزرگی،

اعتبار و ارزشی بدانیم که محور حق و خوبی قرار گیرد. داشتن آن سعادت و نداشتن آن بدبختی محسوب شود؟!!

و آیا نتیجه بلوغ علمی و... این است که آدمی به تقویت بُعد حیوانی پردازد و با آزادی های غریزی و شهوی - آن هم در پناه شعارهای انسان دوستانه، صلح طلبانه و ترقی و رشد انسان ها - به غارت جوامع و ملل ضعیف پردازد، و با اشاعه فحشاء و منکرات عزّت، شرف، آزادی و استقلال ملت ها را قربانی مطامع سیاسی، اقتصادی خویش گرداند. راستی که دنیای امروز با فکر و عملش وجود انسان و جهان را عبث و لغو پنداشته، و چنین پنداشته که موجودیست به خود واگذاشته شده که خواسته اش

دوره هشتم، شماره نوزدهم / ۱۹

مطلق است و هر طور که بخواهد می تواند عمل کند، ولی هرگز چنین نیست و این پنداریست باطل که بر جهل از هستی، جهان و انسان بنا نهاده شده است. امیرالمؤمنین ((علیه السلام)) آن انسان کامل که مؤدّب به آداب الهی و متعلّم به تعلیم الهی است، فرمود: **أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا اللَّهَ فَمَا خُلِقَ امْرُؤٌ عَبْتًا فَيَلْهُوَ وَلَا تُرِكَ سُدًى فَيَلْغُوَ وَمَا دُنْيَاهُ الَّتِي تَحَسَّنَتْ لَهُ بِخَلْفٍ مِنَ الْآخِرَةِ الَّتِي قَبَّحَهَا سُوءُ النَّظَرِ عِنْدَهُ؛** ای مردم! تقوای الهی داشته باشید. هیچ انسانی عبث آفریده نشده است تا (زندگی را) به لهو بگذراند و به خود واگذاشته نشده تا به (انجام کارهای) لغو بپردازد. و دنیای او که آن دنیا خود را برای او نیکو و زیبا گردانیده، جانشین و

۲۰ / تعلیم و تربیت و بلوغ

عوض آخرتی که بد نگرستن به آن نزد او، آن را زشت نمایان ساخته، نیست. و فریفته شده که به بلندترین همّتش به دنیا دست یافته (هرگز) مانند آن کسی نیست که به کمترین، نصیب و بهره اش از آخرت دست یافته است.

بعد از بیان مقدمه فوق به توضیح مواردی از بلوغ می پردازیم.

### بلوغ فکری و علمی

بلوغ فکری و علمی عبارت از ظهور فعلی لازم استعداد فکری و علمی انسان است به نحوی که در بیان، عمل و اظهار نظرهای علمی براساس و مبنای صحیح اندیشیدن خود را آشکار می کند. و منظور در اینجا ظهور فعلی لازم استعداد علمی و فکری در

دوره هشتم، شماره نوزدهم / ۲۱

یکی از رشته های علوم انسانی، تجربی و دینی نیست؛ زیرا بلوغ فکری و علمی در رشته های مزبور زمانی در راستای حقیقت انسانی قرار می گیرد که آدمی خود را مسؤول حفظ انسانیت و شخصیت انسانی بداند. و چنین مسؤولیتی در شعاع التفات به حقّ و علم به مکلف بودن و هدفداری خود در برابر خدا، جامعه، طبیعت، آخرت و خود است. انسان قبل از رسیدن به هر بلوغی ضرورت دارد که بلوغ فکری و علمی در توجّه به حقیقت و هدفداری خود و جهان هستی پیدا کند. اندیشه او به مرحله ای از رشد نایل شود که التفات لازم بلکه کافی را به «ما خُلِقَ امْرُءٌ عَبَثًا فَيَلْهُوْ وَلَا تُرْكَ سُدًى فَيَلْغُو» داشته باشد. برای رسیدن به چنین رشدی برنامه تعلیمی و تربیتی منظم

و نظارتی واقعی بر فرد و جامعه لازم است، ضروری بودن چنین برنامه ای براساس دو نکته است:

۱. انسان در لحظه تولد هیچ نمی داند؛ جز این که علمی آگاهانه یا ناآگاهانه به نحو ضعیف یا شدید به خود دارد، ولی خداوند کانال های ادراکی (سمع، بصر، فؤاد) را قرار داده تا از این راه نفس خویش را به بلوغ فکری و علمی برساند. و این که قرآن پس از بیان ابزار ادراکی فوق به بیان شکرالهی پرداخته، شاید برای ابراز این نکته باشد که اولین کاربرد ابزار ادراکی توجّه پیدا کردن به مسؤولیت خطیری است که انسان در مقابل خدای یکتا دارد. و آن بجا آوردن شکر خداست. و به انجام رساندن شکر خدا در تمام

دوره هشتم، شماره نوزدهم / ۲۳

ابعاد و مراتب وجودی خویش و در تمام مراحل بلوغ، معلول شکرالهی در بلوغ فکری و علمی است که زمینه ساز التفات به حق و هدفداری انسان و جهان، علم به وجود خدا و اسماء زیبا و نیکوی او و علم به مسؤولیت خود در برابر آن ذات نامتناهی است. و چنین بلوغی جز با کمک (فؤاد) حاصل نمی شود. سمع و بصر به کمک فؤاد قادرند، چنین علمی را در نفس ما ایجاد کنند. فؤاد به معنای قلب آمده<sup>۱</sup> لکن اطلاق فؤاد بر قلب در وقتی است که توقّد توقّد و دلسوزی باشد<sup>۲</sup> و امام موسی بن جعفر ((علیه السلام)) قلب را به عقل تفسیر کرده اند؛<sup>۳</sup> بنابراین،

---

۱. المعجم الوسیط، ص ۶۷۰.

۲. مفردات راغب، ص ۳۸۲.

۳. اصول کافی، ج ۱، ص ۱۶.

بلوغ فکری و علمی در معرفت حقّ با عقلی حاصل می شود که همراه با سوز انسانی باشد. امیرالمؤمنین ((علیه السلام)) فرمود: **إِنَّ الْعِلْمَ يَهْدِي وَيُرْشِدُ وَيُنْجِي...؛<sup>۱</sup> علم، انسان را هدایت و ارشاد (به حق) می کند و (از انحراف و فرومایگی) نجات می دهد. هر علمی به لحاظ روشنگری خود دربردارنده نوعی از هدایت، ارشاد و نجات است، لکن علمی که هدایت و ارشاد الهی را به عهده دارد و سبب نجات انسان از گمراهی بوده و مسؤولیت آور است، علمی است که فطرت حق جوئی و حق خواهی انسان را بارور سازد. و امیرالمؤمنین ((علیه السلام)) به چنین علمی نظر دارند؛**



دوره هشتم، شماره نوزدهم / ۲۵

زیرا در مقابل آن علم، به توصیف جهل پرداخته، فرمودند: «وَإِنَّ الْجَهْلَ يُنَوِي وَيُضِلُّ وَيُرْدِي»؛ و به راستی که جهل گمراه می کند و به ضلالت و هلاکت می اندازد.

نکته ای که بر ضرورت برنامه تعلیمی و تربیتی منظم تأکید می کند. سستی است که بر نفس انسان حاکم است و آن این که راسخ شدن یک صفت در نفس به نحوی که انسان در مقام ابراز آن صفت؛ تردید نداشته باشد و به آسانی در عمل جوارحی ظهور پیدا کند؛ مشروط به تمرین، مداومت و مراقبت است. به عبارت دیگر، تقویت و راسخ شدن صفتی خاص مثلا سخاوت، شجاعت، اخلاص، وابستگی

محض ارادی به خدا و... در شعاع سه قانون و سنت الهی ظهور فعلی پیدا می کند.

۱. تدریج.

۲. تمرین و مداومت.

۳. مراقبت.

راسخ شدن یک صفت اخلاقی در نفس دفعی نیست، بلکه به تدریج انجام می گیرد، در گذشت زمان این امر امکان پذیر می شود و دیگر این که توجه و التفات در برخی از موارد و چشم پوشی از آن در بسیاری از موارد دیگر نفس را مزین به آن صفت نمی کند، بلکه احتیاج به تمرین و مداومت دارد. و علاوه بر این، مراقبت بر آن لازم است. به این نحو که

دوره هشتم، شماره نوزدهم / ۲۷

(باتوجه به نظارت خدا بر او) با میل قلبی از آن  
حراست و نگهبانی کند.<sup>۱</sup>

با توجه به دونکته فوق، انسان برای رسیدن به  
بلوغ فکری و علمی در معرفت به حق (قبل از  
رسیدن به بلوغ های غریزی و ارادی به نحوی که  
معرفت به حق، راسخ و ثابت در نفس او شود و  
مسئولیت آور باشد) باید از همان ابتدا کانال های  
ادراکی را متوجه شناخت حقیقت کند و از عقل و  
دین کمک بگیرد تا به علمی نایل شود که هدایت و  
ارشاد کننده و نجات دهنده باشد. و باتوجه به  
تدریجی بودن چنین بلوغی باید مداومت بر کسب آن

---

۱. برای فهم بیشتر مفهوم مراقبت به کتاب المحجّة البيضاء،  
ج ۸، ص ۱۵۶ رجوع شود.

معرفت و مراقبت از آن را داشته باشد. این بلوغ چون در رأس تمام بلوغ‌ها بوده و هدایت‌کننده و جهت‌دهنده به آنهاست، ضرورت برنامه‌اجرای تعلیمی و تربیتی برای رسیدن به آن از اوان کودکی احساس می‌گردد. برنامه‌ای که فرد، خانواده و جامعه را زیر پوشش بگیرد. برنامه‌ای برای مراحل مختلف، برای ایام کودکی قبل از رفتن به مدرسه، برای دوره دبستان، برنامه‌ای برای دوره راهنمایی و پس از آن دبیرستان. بلوغ علمی در معرفت به حق، در طی این مراحل به تدریج و با مداومت باید انجام گیرد. و بعد از دوره دبیرستان علاوه بر ادامه آن، مراقبت و حراست از آن باید با شدت انجام گیرد؛ زیرا شدت هجوم بحران‌های فکری، سیاسی، اقتصادی توأم با

دوره هشتم، شماره نوزدهم / ۲۹

بلوغ جنسی در دوره بعد از دبیرستان است. در نظام آموزشی دنیای امروز احیاناً برای بلوغ سیاسی، اقتصادی و جنسی برنامه هایی را تنظیم کرده اند تا آنها را به سمت اهداف سیاسی و مادی خود هدایت کنند. لکن جای برنامه ای جهت بلوغ فکری در مسأله معرفت حقّ و مسؤولیتهای انسانی در نظام آموزشی خالی است. صرف نظر از نظام آموزشی جوامع غربی و شرقی، در نظام شاهنشاهی ایران نظام آموزشی در جهت محو حقیقت و انسانیت تلاش می کرد. البته از جوامع غربی یا شرقی مادی و نظام شاهنشاهی که بر اصل احساس گرایی و نفی دین و خدا حرکت می کنند و یا نظام هایی که مقلد آن جوامع هستند، انتظاری جز نفی حقیقت و وجود

برنامه های ضدارزشی نیست. اما انتظار ما از جامعه و نظامی که مدعی استقرار حکومت الله بر اساس اطاعت از رسول خدا «ص» و امامان معصوم ((علیهم السلام)) با نظارت کامل ولی فقیه است، این است که با برنامه های صحیح تربیتی و تعلیمی طبق موازین و اصول اسلامی برای تمام مراحل و دوران زندگی، بلوغ فکری و علمی در معرفت به حق را قبل از بلوغ سیاسی، اقتصادی و جنسی در افراد ایجاد کند.

رشد فکری و علمی در شناخت آنچه حق است، به نفس نورانیت می بخشد و سبب تقویت عقل و آگاه شدن به شخصیت انسانی می شود. و آدمی با وجود چنین نفسی خواسته های موجود در غرایز و بعد جسمانی را در جهت اصلاح و خدمت

دوره هشتم، شماره نوزدهم / ۳۱

به مرتبه انسانی قرار می دهد. و به هر حال، بلوغ فکری در آگاهی به آنچه حق است نفس را در تمام مراتب و مراحل بلوغ به عمل به حق دعوت می کند. امیرالمؤمنین ((علیه السلام)) فرمود:

التَّفَكُّرُ يَدْعُو إِلَى الْبِرِّ وَالْعَمَلِ بِهِ؛ تفکر - در آیات الهی و آنچه نازل فرموده - (انسان را) به نیکویی و عمل به آن دعوت می کند.

کلمه «بر» در روایت نشانه این است که منظور از تفکر، اندیشیدن در کشف حقیقت است و تفکر به عنوان رسیدن به نوعی معرفت، دعوت به نیکویی و عمل به آن را در برنماید؛ زیرا کارش کشف مجهول و روشنگری است. و اما تفکر به عنوان درک عقلی و

شناخت حقیقت مسأله، دعوت به نیکی و عمل به آن را همراه دارد؛ زیرا کار عقل علاوه بر فهم واقعیت و حقیقت، ارشاد نیز هست. به همین جهت، کلمه «تفکر» در روایت عبارت از تفکر عقلانی است نه فکری که بر مرکب حس و خیال نشسته، بلوغ در تفکر حسی و خیالی جدای از سنجش های عقلانی تأثیری بر رشد انسانی و فایق آمدن بر انحراف های مادی و حیوانی ندارد. هرچند اثراتی به ظاهر مثبت در مسائل دنیوی خواهد داشت، ولی هرگز اثری مثبت بر سلامت روح و معنویت انسان نخواهد گذاشت.



دوره هشتم، شماره نوزدهم / ۳۳

امیرالمؤمنین ((علیه السلام)) فرمود: **أَصْلُ الْعَقْلِ  
الْفِكْرُ وَثَمَرَتُهُ السَّلَامَةُ**<sup>۱</sup>؛ اساس عقل اندیشیدن است و  
میوه - تفکر عقلانی - سلامت (در روح، دین،  
انسانیت و...) است.

ثمره بلوغ در تفکر عقلانی، سلامت ماندن از  
انحراف های ناشی از بلوغ جنسی، سیاسی، اقتصادی  
و فرهنگی است. بلوغ فکری بدان جهت مانع از  
انحراف ها و سبب رشد است که باعث بصیرت،  
عبرت و وعظ و پند می شود. چنان که  
امیرالمؤمنین ((علیه السلام)) فرمود: **فَتَفَكَّرُوا أَيُّهَا النَّاسُ  
وَتَبَصَّرُوا وَاعْتَبِرُوا وَاتَّعِظُوا وَتَزَوَّدُوا لِلْآخِرَةِ تَسْعِدُوا**<sup>۲</sup>؛

---

۱. شرح غرر، ج ۲، ص ۴۱۷، ش ۳۰۹۳.

۲. شرح غرر، ج ۴، ص ۴۳۲، ش ۴۵۸۹.

ای مردم! بیندیشید و بصیرت دنیایی حاصل کنید و عبرت بگیرید و موعظه شوید و برای آخرت توشه ای بیندوزید، تا این که به سعادت (ابدی) برسید.

جوانان و نوجوانان عزیز و گرامی قبل از آن که بلوغ کورجنسی، سیاسی، اقتصادی و... شما را از پای درآورد، بکوشید تا با کسب بلوغ فکری، مانع از قربانی شدن بعد انسانی در مسلخ انحراف های شهوی شوید. و مهم ترین عامل در جلوگیری از بزهکاری در امور فوق وجود بلوغ فکری است.

عَلَيْكَ بِالْفِكْرِ فَإِنَّهُ رُشْدٌ مِنَ الضَّلَالِ وَمُصْلِحُ الْأَعْمَالِ<sup>۱</sup>

بر تو باد به اندیشیدن؛ زیرا که آن رشدی است که

دوره هشتم، شماره نوزدهم / ۳۵

مانع از گمراهی و اصلاح کننده اعمال است. همان گونه که بیان شد منظور فکر و اندیشه عقلی است؛ چنان که فرمودند: **فِكْرُ الْعَاقِلِ هِدَايَةٌ**؛<sup>۱</sup> اندیشه عاقل، هدایت است.

### بلوغ در شخصیت انسانی

انسان در بدو تولد از هیچ نوع شخصیت فعلی برخوردار نیست، هرچند در ضمیر او زمینه نوعی از شخصیت وجود دارد. زمینه ای که معلول نحوه خلقت انسان است. شخصیت پدیده ای است که در اثر دو عامل تکوینی و ارادی ظهور فعلی پیدا می کند. منظور از عامل تکوینی شرایط درونی و روحی انسان است که همراه با او تولد یافته و عامل

---

۱. شرح غررالحکم، ج ۴، ص ۴۱۲.

ارادی همان تعلیم، تربیت و اثرپذیری است که از محیط زندگی اش می تواند داشته باشد. اگر استعدادها و خلیات بالقوه در شعاع تعلیم و تربیت صحیح و مناسب باشان انسانی ظهور فعلی پیدا کنند، شخصیت انسانی تحقق می یابد و چنانچه در پرتو تعلیم و تربیت خارج از شئون انسانی باشد، شخصیت غیرانسانی را پدید خواهد آورد. بنابراین، شخصیت، نفس آن استعدادها و خلیات نیست، چنانکه نفس تعلیم و تربیت نیست، بلکه محصول و نتیجه آنهاست؛ محصولی که تعیین کننده نحوه رفتار، گفتار و افکار آدمی است. بلوغ شخصیت زمانی است که این محصول رشد لازم را جهت آشکار ساختن خود و آیه و نشانه نفس شدن را پیدا کرده باشد؛

دوره هشتم، شماره نوزدهم / ۳۷

رشد لازم به این معنا که غالب گفتار، رفتار و افکار از آن ناشی شود.

انسان خواسته و یاناخواسته با تأثیراتی که از محیط می‌گیرد و باتوجه به عوامل فوق، نوعی از شخصیت را پیدا خواهد کرد. و گریز از تهی بودن از شخصیت غیرممکن است.

به همین جهت، آنچه مهم است، پیدا کردن بلوغ شخصیت انسانی است. شخصیت انسانی عالی‌ترین عامل و بلکه عامل اصلی در خوب عمل کردن، اندیشیدن و چگونه گفتن است. اطمینان بنفس، آرامش روانی، تحمل رنج‌ها و گرفتاری‌ها در حوادث، بزرگواری، عزت‌نفس، خود رابه‌گناه نیالودن، جلب صفات انسانی و نفی زشتی‌ها و...

معلول داشتن شخصیت انسانی است. رسیدن به بلوغ شخصیت انسانی، ارادی و آگاهانه است. در محدوده این مقال به کیفیت نایل شدن به آن اشاره می‌کنیم.

چگونگی وصول به بلوغ شخصیت انسانی

چه برنامه‌ای را بکار گیریم تا شخصیت انسانی پیدا کرده و به رشد لازم آن نایل شویم. در پیدا کردن شخصیت انسانی دو عامل مهم دخالت دارد:

۱. عامل درونی که عبارت از وجود مرتبه

انسانی با تمام قوا و نیروهای موجود در آن است.

۲. عامل بیرونی که شامل محیط تعلیم و تربیت

خاص می‌شود. پیدایش شخصیت انسانی، نهفته در

هماهنگی بین این دو عامل است، و رشد لازم

شخصیت انسانی وابسته به دوام این هماهنگی، و

دوره هشتم، شماره نوزدهم / ۳۹

مطابقت هر چه بیشتر عامل تعلیم و تربیت با ساختار مرتبه انسانی است. معرفت و شناخت هر چند اجمالی این دو عامل ما را به کیفیت وصول به بلوغ شخصیت انسانی کمک می کند. در مورد شناخت خود، امیرالمؤمنین ((علیه السلام)) فرمود: نَالَ الْفَوْزَ الْاَكْبَرَ مَنْ ظَفَرَ بِمَعْرِفَةِ النَّفْسِ؛ کسی که به معرفت و شناخت نفس ظفر یافت، به بزرگترین پیروزی نائل شده است.

و در مورد عامل بیرونی که سبب فراگرفتن ادب انسانی است، فرمود: اِنَّكُمْ اِلَى اِكْتِسَابِ الْاَدَبِ اُحْوَجُ مِنْكُمْ اِلَى اِكْتِسَابِ الْفِضَّةِ وَالذَّهَبِ؛ برآستی که

---

۱. شرح غرر، ج ۶، ص ۱۷۲، ش ۹۹۶۵.

۲. شرح غرر، ج ۳، ص ۶۴، ش ۳۸۳۵.

شما به کسب ادب نیازمندتر هستید از کسب نقره و طلا. كُلُّ شَيْءٍ يَحْتَاجُ إِلَى الْعَقْلِ وَالْعَقْلُ يَحْتَاجُ إِلَى الْأَدَبِ؛ هر چیزی نیازمند به عقل است و عقل (در ظهور فعلی و شکوفایی اش) محتاج به ادب است.

عقل، عامل درونی است و شخصیت انسانی وابسته به ظهور فعلی آن است و ظهور فعلی عقل، محصول تعلیم و تربیتی است که نتیجه آن ادب الهی باشد، چنانکه امیرالمؤمنین - سلام الله علیه - فرمود: مَنْ لَمْ يَصْلَحْ عَلَى أَدَبِ اللَّهِ لَمْ يَصْلَحْ عَلَى أَدَبِ نَفْسِهِ؛<sup>۲</sup> کسی که با ادب الهی اصلاح نشود، با ادب نفسش اصلاح نخواهد شد.

---

۱. شرح غرر، ج ۴، ص ۵۴۲، ش ۶۹۱۱.

۲. شرح غرر، ج ۵، ص ۴۱۷، ش ۹۰۰۱.



دوره هشتم، شماره نوزدهم / ۴۱

شناخت عاملی که شکوفایی آن، اساس شخصیت انسانی را تشکیل می دهد، برای کسی که خواهان وجود چنین شخصیتی در خویشتن هست، ضرورت دارد. و نیز شناخت راه رشد و شکوفایی آن ضرورت دارد.

از متن قرآن و روایات اسلامی چنین استفاده می شود که عامل اساسی در ظهور انسانیت، عقل است و منظور از عقل، آن قوه محرک به عبادت خدا و جداسازی حق از باطل می باشد.

...لَوْ كُنَّا نَسْمَعُ أَوْ نَعْقِلُ مَا كُنَّا فِي أَصْحَابِ  
السَّعِيرِ؛<sup>۱</sup> ... اگر می شنیدیم و یا تعقل می کردیم، در  
بین اهل جهنم و آتش سوزان نبودیم.

إِنَّا مُنْزِلُونَ عَلَىٰ أَهْلِ هَذِهِ الْقَرْيَةِ رِجْزًا مِّنَ السَّمَاءِ  
بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ وَاَلْقَدْ تَرَكْنَا مِنْهَا آيَةً بَيْنَهُ لِقَوْمٍ  
يَعْقِلُونَ؛<sup>۱</sup> ما بر مردم این شهر و آبادی، به سبب  
گناهان و فسقشان عذابی از آسمان فرو خواهیم  
ریخت. و ما از آن آبادی یا از این حادثه نشانه  
روشنی و درس عبرتی برای کسانی که تعقل می کنند  
باقی گذاردیم و...

آیات فوق، ظهورشان در این است که بندگی  
خدا و شکوفایی حقیقت انسانی که سبب نجات از  
جهنم است، در شعاع وجود عقل امکان پذیر است.

دوره هشتم، شماره نوزدهم / ۴۳

امام صادق((علیه السلام)) فرمود: (الْعَقْلُ) ما  
عُبِدَ بِهِ الرَّحْمَنُ وَ اِكْتَسِبَ بِهِ الْجِنَانُ؛<sup>۱</sup> عقل آن چیزی  
است که خدا به سبب «ظهور فعلی» آن عبادت شود  
و بهشت بدان کسب گردد.

امیرالمؤمنین((علیه السلام)) فرمود: كَمَالُ  
الْإِنْسَانِ الْعَقْلُ؛<sup>۲</sup> کمال انسان، عقل اوست. و نیز  
فرمود: لَنْ يَنْجَعَ الْإِدْبُ حَتَّى يُقَارِنَهُ الْعَقْلُ؛<sup>۳</sup> ادب به  
نتیجه «انسانی» نمی رسد مگر این که مقرون با عقل  
باشد. و...

اگر تعلیم و تربیت در خانه، مدرسه و اجتماع  
رشد عقلانی را به همراه داشته باشد، فرد و افراد

---

۱. اصول کافی، ج ۱، ص ۱۱، روایت ۳.

۲. شرح غرر، ج ۴، ص ۶۳۱، ش ۷۲۴۴.

۳. شرح غرر، ج ۵، ص ۶۳، ش ۷۴۱۲.

دارای شخصیت انسانی خواهند شد و شخص دارای شخصیت انسانی، انسانی است عاقل که به گرد خلاف و آنچه انسان را از مسیر حق منحرف می کند؛ نمی گردد. امیرالمؤمنین ((علیه السلام)) فرمود: **أَلْعَاقِلُ مَنْ هَجَرَ شَهْوَتَهُ وَبَاعَ دُنْيَاهُ بِآخِرَتِهِ**<sup>۱</sup>؛ عاقل، کسی است که از خواسته نفسانی اش کناره می گیرد و دنیایش را به آخرتش نمی فروشد. و نیز فرمود: **أَلْعَاقِلُ مَنْ تَوَرَّعَ عَنِ الذُّنُوبِ وَتَنَزَّهَ عَنِ الْعُيُوبِ**<sup>۲</sup>؛ عاقل کسی است که از گناهان پرهیز کرده و منزّه از عیبها باشد.

---

۱. شرح غرر، ج ۲، ص ۳۴، ش ۱۷۲۷.

۲. شرح غرر، ج ۲، ص ۳۶، ش ۱۷۳۷.

دوره هشتم، شماره نوزدهم / ۴۵

و نیز فرمود: **الْعَاقِلُ مَنْ لَا يُضِيعُ لَهُ نَفْسًا فِيمَا لَا يَنْفَعُهُ وَلَا يَتَّقِنِي مَا لَا يَصْحَبُهُ**<sup>۱</sup> عاقل کسی است که در آنچه به او سود نرساند، نفسش را برای آن ضایع نسازد و آنچه در آخرت همراه با او نیست ذخیره نسازد. **بِالْعَقْلِ تُنَالُ الْخَيْرَاتُ**<sup>۲</sup> وسیله رسیدن به خیرات و خوبی ها عقل است.

برنامه ریزی جهت کیفیت تعلیم و تربیت و چگونگی مواد تعلیمی و تربیتی، یکی از وظایف مهم نظام آموزشی کشور است. برای تحقق این امر گروه های رشد یافته و محققانی لازم است تا با بررسی محققانه و مخلصانه خود به تهیه برنامه هایی

---

۱. شرح غرر، ج ۲، ص ۱۵۵، ش ۲۱۶۳.

۲. شرح غرر، ج ۳، ص ۲۰۵، ش ۴۲۱۲.

موفق شوند که نوجوانان و جوانان را به بلوغ شخصیت انسانی برساند. و در نهایت نظام اسلامی نیز با تکیه بر مردانی پاک و مخلص به انجام وظیفه بپردازد.

خلاصه این که، راه وصول به بلوغ شخصیت انسانی تعلیم و تربیتی است که به شکوفایی عقل منتهی شود.

### بلوغ جنسی

آدمی برای رسیدن به بلوغ جنسی احتیاج به تعلیم و تربیت ندارد؛ زیرا غریزه ای است در مرتبه حیوانی نفس، که در سنی خاص آشکار می شود. شاید بتوان گفت که اهمّ حکمت وجود این غریزه در انسان و هر حیوانی، بقاء نوع است. با پیدایش و نمایان شدن

دوره هشتم، شماره نوزدهم / ۴۷

غریزه جنسی در انسان، مسؤلیت هایی در ابعاد مختلف او را احاطه می کند که اگر آگاهی قبلی از آنها و کیفیت به انجام رساندن آنها نباشد، هجوم اضطراب ها، تردید و شک در عقاید و... حتمی خواهد بود.

رشد فکری و شخصیتی قبل از بلوغ جنسی، نگاه نوجوان و جوان را به بلوغ جنسی مثبت نموده و آنها را از اضطراب، ترس، هیجان و آلودگی های شهوی و هوس های جنسی که بر سرراه افراد - به مرحله بلوغ جنسی رسیده - کمین کرده، نجات خواهد داد.

اطلاع قبلی از وجود بلوغ جنسی و آگاهی از حکمت و عوامل هدایت و بازدارنده آن از انحراف، قدمی بزرگ و مثبت در کنترل و اصلاح آن است. با فرارسیدن بلوغ جنسی، دوران آرام کودکی به پایان می‌رسد و دوره پر آشوب نوجوانی و بعد جوانی فرا می‌رسد؛ دوره‌ای که همراه با تغییرات شدید اندام بدن و رشد روزافزون غده‌هایی است که نوجوان و جوان را آماده برای داشتن نسل و فرزند می‌کند. کودکی که تا دیروز توجه به لباس، آرایش، زیبایی کفش و اندامش نداشت، پس از بلوغ جنسی خودآرایی، خودنمایی، استقلال طلبی او شروع می‌شود و اگر در دوره کودکی به اسباب بازی هرچند کم ارزش قانع می‌شد، ولی پس از بلوغ در



دوره هشتم، شماره نوزدهم / ۴۹

پی با ارزش ترین لباس یا اثاثی می رود که خودآرایی و خودنمایی او را ارضاء کند. اگر امکانات ارضاء این خواسته ها را نداشته باشد و از تعلیم و تربیت صحیح و لازم برخوردار نباشد به طوری که او را در برابر وسوسه های شیطانی و عوامل انحرافی مقاوم ساخته باشد و علاوه بر این، تحت مراقبت مربی و معلمی دلسوز و مدبر نیز نباشد، شکی نیست که (معمولا) در کام خواسته های شهوی فرو خواهد افتاد و عزت و عظمت انسانی خود را برای همیشه در نزد وجدان و عقل و دین از دست خواهد داد. تا آن گاه که شاید از راه ابلیسی بازگردد و با هدایت صحیح و تربیتی سالم به جایگاه امن الهی بازگشت کند و مأوی گیرد. وَ أَمَّا مَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ وَنَهَى النَّفْسَ عَنِ الْهَوَىٰ فإِنَّ الْجَنَّةَ

هِيَ الْمَأْوَى؛<sup>۱</sup> هرکس از پیشگاه عزّ ربوبیت بترسید و نفس را از خواسته های شهوی و هوا و هوس بازداشت، محققاً بهشت منزلگاه اوست.

سیاست و اقتصاد جامعه چون فرهنگ نقشی پراهمیت در جلوگیری از انحرافات جنسی دارند. و این نقش در صورتی عملی است که سیاست دولت در برنامه ریزی و تدبیر مردم در شؤون مختلف به گونه ای باشد که عوامل رشد تقوا و پارسایی را افزایش دهد و از عوامل شهوت زا و تقویت کننده و محرک شهوات به خصوص غریزه جنسی جلوگیری نماید و راه پیدایش و یا رشد آن عوامل را سدّ کند. این نقش در صورتی عملی است که تقویت نیروی

دوره هشتم، شماره نوزدهم / ۵۱

ایمان به خدا و روز رستاخیز و آگاهی دادن به شخصیت انسانی و آشنا ساختن افراد در دوره کودکی به معارف دینی چنانچه در رأس سیاست فرهنگی جامعه باشد. و در برنامه های اقتصادی اصل عدالت اجتماعی، تقوای اجتماعی، نفی اسراف، نفی سودجویی و نفی تولید کالاهای مبتذل و... گنجانیده شود و راه وصول به یک زندگی ساده اقتصادی در خانواده امکان پذیر باشد. این نقش پراهمیت در صورتی عملی است که دولت به همراه انسان های خیر برای جوانان جامعه ایجاد کار کنند و دست ناتوان آنان را در تشکیل خانواده بگیرند تا دستی توانا پیدا کنند و راه نفوذ شیطان و اعوان او از جنّ و انس جهت اشاعه فحشا تا حدود زیادی سدّ گردد. بیشترین

انحرافات نوجوانان و جوانان در جنایت و شهوت، علاوه بر این که خودشان مقصّرند تا حدّی هم معلول این است که نظام حاکم و ثروتمندان و عالمان جامعه به وظیفه خطیری که در برابر اصلاح و تعلیم و تربیت اجتماع دارند عمل نمی کنند. بلوغ جنسی امری دفعی نیست، بلکه تدریجی می باشد. رشد جنسی از همان دوران کودکی و طفولیت آغاز تا سرانجام به بلوغ لازم و یا کامل منتهی می شود، به همین جهت، برنامه تعلیمی و تربیتی برای اصلاح و کنترل و هدایت آن در مسیر خاص انسانی از بدو تولّد باید صورت گیرد. طرز رفتار مادر و پدر در برخورد جنسی با یکدیگر در محیط خانه و نحوه رفتار مربیان تربیتی و تعلیمی در دوره ابتدایی و

دوره هشتم، شماره نوزدهم / ۵۳

راهنمایی در جلوگیری از اشاعه مسائل انحراف جنسی و طرح مسائل خودشناسی و... در برخورد مثبت جوان و نوجوان در دوره دبیرستان و دانشگاه و به هر حال، در دوره بلوغ نقش بسیار مؤثر دارد. علاوه بر این، ایجاد محیط های سالم تفریحی و تربیتی و پراساختن اوقات فراغت به نحوی مطلوب و نفی عوامل محرک غریزه از جلوی چشم دختر و پسر عواملی سازنده در کنترل و اصلاح غریزه جنسی است. اضافه بر اینها تقویت بُعد عبادی و توجّه به خدا و آخرت نه تنها سبب اصلاح می گردد که به جهت در پی داشتن کمال انسانی بهترین عامل بازدارنده شخص از گناه و انحراف جنسی است. تعلیم خانواده ها به نحوه رفتار با کودکان، تهیّه برنامه های

صحیح تربیتی و پیاده کردن آنها در مدارس، کنترل برخورداردهای نامطلوب اجتماعی در مدارس، خیابان ها، ادارات، سازمان ها، ایجاد مراکز تفریحی و... وظیفه نظام حاکم، با کمک گرفتن از نیروهای مردمی و عالمان جامعه است. با وضع نابسامان تعلیمی و تربیتی در خانواده ها، مدارس و محیط های اجتماعی و غلبه عوامل برانگیختن شهوت حیوانی بر مسایل انسانی و الهی و در انتظار بودن اصلاح و کنترل غریزه جنسی و دور ماندن نوجوانان و جوانان از انحرافهای شهوی، امری غیرمعقول است. نوجوان و جوانی که در طی رشد تدریجی جنسی توجیه نشده و آموزش و تربیت صحیح راجع به آن نیاموخته است، شکی نیست که در هنگام بلوغ جنسی

دوره هشتم، شماره نوزدهم / ۵۵

دچار هیجان، اضطراب، وحشت و بحران فکری خواهد شد و نسبت به بسیاری از اعتقادات خود شک خواهد کرد و با چنین وضعی اگر گروهی از نوجوانان یا جوانان دچار انحراف جنسی نشوند یا به خاطر ضعفی است که از ناحیه آن غریزه دارند و یا معجزه ای الهی است که در مورد آنها رخ داده است و یا... و الا آن علل خاص معلول خاص خود را پدید می آورد. اسلام که انتظار دارد جوانان پاک و مؤمن و عامل به خواسته های الهی باشند؛ علاوه بر این که برای ارضاء غریزه جنسی فقط یک راه را توصیه و سفارش می کند و آن ازدواج دائم و یا موقت هست؛ زمامداران و افراد صاحب علم و مکتب را هم مسؤول قرار داده که امکانات لازم تعلیمی و تربیتی و

ازدواج را برای آنان فراهم کنند. مردی رابه نزد امیرالمؤمنین ((علیه السلام)) آوردند که با آلت تناسلی اش بازی می کرده است، برای تنبیه بر دستش تازیانه می زند تا آن که دستش قرمز می شود، پس از آن از بودجه بیت المال امکان ازدواج را برایش فراهم می سازد.<sup>۱</sup>

اگرامام صادق ((علیه السلام)) بنقل از پدران گرامی اش ((علیهم السلام)) فرمود: کودکانی که به سن ده سالگی می رسند باید رختخواب آنها جدا باشد؛<sup>۲</sup>

---

۱. عن أبي عبد الله ((عليه السلام)) ان امير المؤمنين ((عليه السلام)) اتي برجل عبث بذكره فضرب يده حتى احمرت ثم زوجه من بيت المال - وسائل الشيعه، ج ۱۴، ص ۲۶۷.

۲. وسائل الشيعه، ج ۱۵، صص ۱۸۲ و ۱۸۳ باب ۷۴، حدیث ۲ و ۵.



دوره هشتم، شماره نوزدهم / ۵۷

البته برای نفی فقر اقتصادی هم راه هایی را بیان کرده اند ولی اجراء این دستور با وجود فقراقتصادی در بعضی خانواده ها هرگز امکان فعلی پیدا نخواهد کرد. خانواده با هشت یا ده فرزند و درآمد بسیار کم که کفاف سیرکردن شکم آنها را نمی دهد، چگونه قادر خواهد بود که برای هرکدام رختخوابی جداگانه در زمستان و فصول دیگر تهیه کند و آن گاه که این دستور و بسیاری از دستورات دیگر که اجراء آنها برامکان اقتصادی مترتب است، عمل نشود، در انتظار اصلاح امور جنسی در همه موارد نباید باشیم. اگر ظهور فعلی گزینه جنسی غیرارادی است، اما اصلاح و کنترل آن اختیاری است. و امور اختیاری چون امور طبیعی و تکوینی معلول شرایط و عواملی است، و

شرایط و عوامل کنترل و اصلاح جنسی تعلیم و تربیت صحیح برای همه و فراهم آوردن امکانات لازم اقتصادی هم برای بعضی افراد است.

اگر قرآن علاوه بر زکات و خمس، حقی برای سائل و محروم در اموال اغنیا قرار داده است. یکی از حکمت هایش ظاهراً همین است که امکانات لازم تربیتی و اقتصادی در دست رس محرومان قرار گیرد تا اجرای دستورات دینی امکان فعلی پیدا کند و عالمان صالح جامعه و نظام اسلامی برای اجرای منویات انسانی خود با شیوع برنامه های خاص تربیتی دید جوانان و نوجوانان را به عالم نور بازکنند و از ظلمت شهوت و دنیا برهانند.

## بلوغ اقتصادی

بلوغ اقتصادی زمانی است که شخص حق تصرف در اموال خویش پیدا می‌کند؛ و در خرید و فروش، وصیت و بخشش و... در محدوده قوانین شرعی آن آزاد و رها باشد. و به عبارت دیگر، بلوغ اقتصادی عبارت از رشد لازم عقلی در امر معیشت و اداره اقتصاد زندگی است. در مقابل چنین بلوغی سَفیه قرار دارد؛ یعنی کسی که شعور لازم را در امور معیشتی و اقتصادی پیدا نکرده و اگر اموالی را به او بسپارند، جهت سرمایه‌گذاری و یا صرف کردن در امور زندگی به جهت ضعف فکری و شعوری قادر به تصرف عاقلانه - آن چنانکه در عرف مردم دارای

سلامت نفس، معمول است - نیست.<sup>۱</sup> و به همین جهت شارع مقدّس او را از تصرف در اموال منع کرده است. وَلَا تُؤْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَامًا وَارْزُقُوهُمْ فِيهَا وَاكْسُوهُمْ وَقُولُوا لَهُمْ قَوْلًا مَعْرُوفًا؛<sup>۲</sup> اموالی که خداوند قوام زندگی برای شما قرار داده به دست سفیهان نسپارید، و اینان را از اموال روزی دهید و بیوشانیدشان، و با آنها خوب سخن بگوئید.<sup>۳</sup>

---

۱. السفیه هوالذی یصرف امواله علی غیرالوجه الملائم لافعال العقلاء «کتاب ایضاح الفوائد فی شرح القواعد، ج ۲، ص ۵۵».

۲. سوره نساء، آیه ۵.

۳. در کتب فقهی شش گروه را نام برده که حق تصرف در اموال را ندارند: ۱- کودک ۲- مملوک ۳- دیوانه ۴- سفیه ۵- مفلس و ورشکسته مالی ۶- مریض. عدم

دوره هشتم، شماره نوزدهم / ۶۱

و اما مریضی که بیماری اش اتصال به مرگ داشته باشد و عرفاً قطع امید از سلامتی اش شده است (به جهت آثار مرگ که بر او عارض شده است) محجور بودنش به جهت حکم شارع مقدّس است، نه از جهت این که دارای سفاهت است البته می تواند در ۱۳ اموالش تصرف کرده و راجع به

---

تصرّف مملوک به خاطر سفاهت نیست، ممکن است بلوغ اقتصادی داشته باشد، لکن شارع مقدّس صحت تصرفات او را مشروط به اذن مولایش کرده است. و نیز مفلس یعنی کسی که ورشکست مالی پیدا کرده و قادر به پرداخت دیون فعلی خود نیست و طلبکارها از او طلب دیون خود را می کنند و از حاکم شرع خواهان حجر و منع او از تصرّف در اموالش هستند. چنین شخصی هر چند بلوغ اقتصادی احياناً دارد لکن منع او به خاطر مصالح طلبکارست. اما دیوانه فوق فرد سفیه است و شارع مقدّس بلکه عقلا و عرف به او اذن تصرّف نمی دهند.

مصارفی که لازم می‌داند، وصیت کند، اما کودک محجور بودنش به لحاظ این است که رشد لازم پیدا نکرده و به حدّ رشد نرسیده است (ایضاح الفوائد، ج ۲ کتاب الحجر، و کتاب مهذب الاحکام، ج ۲۱، کتاب الحجر).

وَابْتَلُوا الْيَتَامَىٰ حَتَّىٰ إِذَا بَلَغُوا النِّكَاحَ فَإِنْ آنَسْتُمْ مِنْهُمْ رُشْدًا فَادْفَعُوا إِلَيْهِمْ أَمْوَالَهُمْ... (سوره نساء، آیه ۶)

یتیمان را آزمایش کنید تا هنگامی که بالغ شده و تمایل به نکاح پیدا کنند، آن گاه اگر آنها صاحب رشد (دانا به درک مصالح زندگی خود) یافتید، اموالشان را به ایشان باز دهید. اموال یتیم را در اختیارش گذاشتن، مشروط به یافتن رشد در اوست. منظور از رشد، رسیدن به بلوغ عقلی در معیشت

دوره هشتم، شماره نوزدهم / ۶۳

است. و آیه فوق هر چند موردش یتیم است لکن دفع مال را معلول رشد قرار داده است. و رسیدن به مرحله رشد در امور معیشتی علت برای دفع مال می باشد. هر فردی که دارای رشد و بلوغ اقتصادی است؛ مالش را ولیّ و سرپرست او (خواه حاکم شرع و یا پدر و جدّ پدری باشند) باید در اختیارش قرار دهد. در غیر این صورت دفع مال جایز نیست. به عبارت دیگر، اموال سفیه را (هر کس که باشد) نمی توان در اختیار او گذاشت.

داشتن بلوغ عقلی در معیشت دوگونه

تصوّر می شود:

۱- این که می تواند مالش را حفظ کند، متوجّه

سود و زیان مالش هست لکن نه در محدوده عقل و

دین، بلکه سود و زیان، دخل و خرج را در خارج از دستورات و قوانین شرعی و عقلی می‌سنجد، بر سود مالش می‌افزاید اما از طریق خرید و فروش کالاهایی که در اسلام تولید آنها و یا خرید و فروش آنها منع شده است مانند شراب، آلات قمار و... و یا، مالش را در مواردی به مصرف می‌رساند که عقل و دین آنها را تحریم کرده است؛ مانند، ساختن قمارخانه، مشروبات الکلی، طعام‌های حرام چون گوشت خوک و...

۲- این که در حفظ مال و توجه به سود و زیان و مصرف درآمدش از دین و عقل پیروی می‌کند و حرکت اقتصادی او در محدوده قوانین دینی و عقلی است.



دوره هشتم، شماره نوزدهم / ۶۵

در عرف غالب جوامع، صورت اوّل را خارج از سفاقت و داخل در مرحله رشد می دانند و در عرف شرع، آنچه به عنوان اوّلی در حفظ ثروت و مال و مسأله سود و زیان مطرح است، صورت دوّم می باشد و اما صورت اوّلی قطعاً از نظر اخلاقی محکوم است و حسن خُلق و مکارم اخلاق در دین حکم می کند که چنین شخصی حقّ تصرّف در اموالش را به این نحو ندارد؛ اما از نظر فقهی شاید بگوییم که دفع مال به او اشکالی ندارد؛ زیرا او همان گونه که متوجّه سود و زیانش در خارج از محدوده عقل و شرع هست، این درک و فهم را دارد که پیرو قوانین دینی در حفظ اموال و سرمایه گذاری و مصرف اموالش باشد. لکن خروج او از شریعت مسأله و موضوع

دیگری است. به عبارت دیگر، از نظر فقهی آنچه شرط در اختیار گذاشتن مال به افراد است، رشد و عدم سفاهت می باشد و اما رعایت قوانین شرعی و عدم رعایت قوانین شرعی بعد از در اختیار گذاشتن، دخالت در دفع مال و عدم آن ندارد، ولی اخلاق دینی و انسانی به ما حکم می کند که تا اطمینان به تقید شرعی او در حفظ و دخل و خرج و سود و زیان مالش پیدا نکرده ایم مال را به او تسلیم نکنیم، و اگر تسلیم کردیم و خروج او را از عقل و دین مشاهده کردیم، مانع از تصرف او شویم. بنابراین، اگر از دید فقهی به مسأله رشد بنگریم آن شخص ولو بعد از دفع مالش احیاناً دست به تصرف نامشروع می زند (و چنین تصرفی حرام است)، اما علت و

دوره هشتم، شماره نوزدهم / ۶۷

شرط دفع که همان رشد است حاصل شده از دیدگاه اخلاق دینی چنین شخصی به جهت خروج از دایره عقل و شرع، فاسق و فاسد است.

### بلوغ سیاسی

تعلیم و تربیت در نظام الهی، تعلیم و تربیتی همه جانبه است. به این معنا که در کنار رشد فکری و علمی و شخصیتی باید بینش اقتصادی و سیاسی را تا حد بلوغ آنها به افراد جامعه بیاموزند. و در جنبه اقتصادی، نحوه تولید، کیفیت تجارت و کسب سود و درآمد، چگونه مصرف کردن، راه های حلال و حرام و ترغیب به تولید، کسب و مصرف حلال را به مردم آموزش دهند و پرورش لازم را به جهت وجود اقتصادی سالم و مستقل دور از نظرهای حیوانی به

افراد جامعه بدهند. و در بُعد سیاسی، مردم را به موازین عدالت، تعاون در اداره مملکت، عوامل استقلال و سربلندی یک ملت و آفات سیاست صحیح و... آگاه کنند. رشد فکری و شخصیتی با داشتن بینشی صحیح در اقتصاد و سیاست حرکتی انسانی را در جهت آرمان های معنوی فردی و اجتماعی می آفریند، و سبب می شود که افراد جامعه در برخوردهای اجتماعی، اقتصادی، سیاسی نوع دوستی و منافع عمومی، اخلاقی انسانی و الهی را در نظر داشته باشند.

آموزش برای ایجاد بلوغ سیاسی در ملت بخصوص کارگزاران دولتی یک ضرورت است. البته منظور آن سیاستی است که اسلام می پذیرد و

دوره هشتم، شماره نوزدهم / ۶۹

خواهان آن است. سیاستی که از حاکمیت عدالت در ابعاد فطری، غریزی و مراتب نفس و ایجاد هماهنگی بین قوای نفس شروع می شود تا آن گاه که به اجرای عدالت و نظم و انضباط اجتماعی منتهی می گردد و کلام بلند امیرالمؤمنین ((علیه السلام)) بیانگر همین مطلب است: **مِنْ حَقِّ الْمَلِكِ أَنْ يَسُوسَ نَفْسَهُ قَبْلَ جُنْدِهِ**<sup>۱</sup>: از حقی که برحاکم (جامعه) هست، این است که قبل از افراد تحت فرمانش، خودش را تربیت و تدبیر کرده باشد و نیز فرمود: **أَعْقَلُ الْمُلُوكِ مَنْ سَاسَ نَفْسَهُ لِلرَّعِيَّةِ بِمَا يَسْقُطُ عَنْهَا حُجَّتُهَا وَسَاسَ الرَّعِيَّةَ بِمَا تَنْبَتُ بِهِ حُجَّتُهُ عَلَيْهَا**<sup>۲</sup>؛ عاقل ترین حاکمان کسی است

---

۱. شرح غرر، ج ۶، ص ۲۵، ش ۹۳۳۳.

۲. شرح غرر، ج ۲، ص ۴۷۵، ش ۳۳۵۰.

۷۰ / تعلیم و تربیت و بلوغ

که خویشتن را برای رعیت تربیت و تدبیر کند، به نحوی که برایشان حجّت باشد و براساس حجّت، رعیت و مردم را سیاست و تدبیر کند.

در نظر امیرالمؤمنین علی ((علیه السلام)) کسی که درک سیاست جامعه نایل می شود که خودش را سیاست کرده باشد. مَنْ سَاسَ نَفْسَهُ أَدْرَكَ السِّيَاسَةَ؛<sup>۱</sup> کسی که خودش را سیاست کند، به درک سیاست (جامعه) نائل می گردد.

سیاست نفس در کلام آن امام همام عبارت از ورع و پارسایی نفس است: سُوِسُوا أَنْفُسَكُمْ بِالْوَرَعِ؛<sup>۲</sup> خودتان را به سبب پارسایی سیاست کنید.

---

۱. شرح غرر، ج ۵، ص ۲۰۹، ش ۸۰۱۳.

۲. شرح غرر، ج ۴، ص ۱۳۵، ش ۵۵۸۸.

دوره هشتم، شماره نوزدهم / ۷۱

و در دیدگاه انسانی و الهی آن حضرت، سیاست دینی جز پارسایی و یقین چیز دیگری نیست: *سِيَاسَةُ الدِّينِ بِحُسْنِ الْوَرَعِ وَالْيَقِينِ*<sup>۱</sup>؛ سیاست دینی به نیکویی پارسایی و یقین است.

پارسایی و یقین به مبانی دینی و الهی، اساس در اجرای عدالت و به وجود آوردن نظم و انضباط و کنترل قوای شهوی و حاکمیت عقل است. انسان جدای از این اصل هرگز موفق به پیاده کردن سیاست دینی در خود و جامعه نخواهد شد. آن کسی که عادت کرده آگاهانه یا ناآگاهانه به خود ظلم و خیانت کند و سیاستی غلط را در زندگی به اجراء گذارد

آگاهانه یا ناآگاهانه به جامعه و رعیت ظلم و خیانت خواهد کرد.

امام علی ((علیه السلام)) فرمود: كَيْفَ يَعْدِلُ فِي غَيْرِهِ مَنْ يَظْلِمُ نَفْسَهُ؛<sup>۱</sup> کسی که به خویش ظلم می کند، چگونه می تواند در مورد غیر با عدالت رفتار نماید.

امیرالمؤمنین ((علیه السلام)) در طی نامه ای به معاویه نوشت: وَمَتَى كُنْتُمْ يَا مُعَاوِيَةَ سَاسَةَ الرَّعِيَّةِ وَوَلَاةَ أَمْرِ الْأُمَّةِ بِغَيْرِ قَدَمِ سَابِقٍ وَلَا شَرَفِ بَاسِقٍ؟ نَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ سَوَابِقِ الشَّقَاءِ؛<sup>۲</sup> ای معاویه! تو و (بنی امیه) در چه زمانی لیاقت حکمرانی رعیت و زمام داری مسلمانان

---

۱. شرح غرر، ج ۴، ص ۵۴۶، ش ۶۹۹۶.

۲. نهج البلاغه فیض الاسلام، نامه ۱۰، ص ۸۵۱.



دوره هشتم، شماره نوزدهم / ۷۳

را داشتید، نه سابقه خوب و نیکویی دارید و نه افرادی بزرگوار و ارجمند هستید. (پیش از این در امری فضیلت و برتری نداشته‌ای که باعث شود ادّعای خلافت و اِمارت نمایی) از برقرار گشتن پیشینه‌های بدبختی (که شخصی را پیرو شیطان و هوای نفس می‌سازد) بخدا پناه می‌بریم.

آن چنانکه از بیانات فوق استفاده می‌شود، بلوغ سیاسی در اسلام (رسیدن به رشد لازم در تشخیص صلاح و فساد خود و جامعه) جدا از بلوغ فکری و شخصیتی نیست. پارسایی و یقین که اساس سیاست دینی را تشکیل می‌دهد، محصول اندیشه صحیح از انسان، جهان و خداست. و نفس پارسایی و یقین دربردارنده شخصیت انسان می‌باشد. بنابراین،

وصول به بلوغ سیاسی، وصول به بلوغ فکری و شخصیتی نیز هست؛ چنانکه رسیدن به بلوغ فکری و شخصیتی بلوغ سیاسی را به همراه دارد. بلوغ سیاسی به این معنا که شخص از رشد لازم در تشخیص صلاح و فساد خود، جامعه و چگونگی تعاون به امور مملکت و اجراء عدالت برخوردار می گردد.

پایان